

معرفی کتاب

نگاهی به

انتشارات اخیر

بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی

تنظیم از طراز تبریزی

۱۳۹۰

## کتابهای معرفی شده:

- مسائل پاریسیه (یادداشت‌های علامه محمد قزوینی (ج ۲ و ۳) به کوشش ایرج افشار و علی محمد هنر
- قند مکرر پارسی (هیجده گفتار ادبی و تاریخی از: نذیر احمد، ترجمه دکتر سید حسن عباس
- مقالات سعید نفیسی (ج ۲) (بزرگان ادب - کتابشناسی) به کوشش کریم اصفهانیان با همکاری محمدرسول دریاگشت
- مختصر مفید (جغرافیای ایران در عصر صفوی) به کوشش ایرج افشار با همکاری محمدرضا ابویی مهریزی
- نزهة العقول فی لطائف الفصول تألیف ابوطاهر محمد بن محمد یحیی عوفی، به کوشش ایرج افشار و با یاری جواد بشری
- برابر نهاد شاهنامه فردوسی و غرر السیر ثعالبی تألیف عباس پریش روی
- پنج کتابشناسی ایران از: زنکر - شواب - (مجله کاوه) - هنینگ و فهرست کتابهای تاریخ و سیاست به دستور لرد مونستر

مسائل پاریسیه (یادداشت‌های علامه محمد قزوینی)  
جلد دوم و سوم (از مجموعه چهارجلدی)  
به کوشش ایرج افشار و علی محمد هنر  
شماره انتشار ۱۳۴ و ۱۴۶  
چاپ اول ۱۳۹۰  
تعداد صفحات (جلد اول ۱۶+۲۳۴) و (جلد دوم ۱۶+۲۰۸)  
ناشر: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی

جلد اول این کتاب در سال ۱۳۸۵ در سلسله انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار چاپ و منتشر شد، این یادداشت‌ها، یادگار دوران اقامت علامه قزوینی در پاریس و استقراء او در آثار گذشتگان و اقوال شنیده از حاضران است و قزوینی خود آنها را «وريقه» نامیده و درحقیقت بقیه یادداشت‌های علامه محمد قزوینی است که بین سال‌های (۱۳۳۷ - ۱۳۵۴ ش)، بنا به پیشنهاد سید حسن تقی‌زاده وصی محمد قزوینی و خواستاری دانشگاه تهران از زنده‌یاد ایرج افشار در ده جلد در سلسله انتشارات آن دانشگاه به چاپ رسید.

اکنون موجب خوشوقتی است که سه جلد دیگر از مجموعه چهارجلدی که حاوی نکات ادبی و تاریخی و لغوی و نحوی و غیره است پس از یک وقفه سی و چندساله، با موافقت هیأت‌گزینش موقوفات دکتر محمود افشار چاپ و در دسترس اهل تحقیق قرار می‌گیرد و امید است جلد چهارم آن نیز به‌زودی چاپ شود.

سید حسن تقی‌زاده، علامه محمد قزوینی (درگذشته ۱۳۲۸ ش) را بیرونی ثانی می‌خواند و درباره او می‌نویسد:

در قرون اخیر محققان دانشمند نظیر مرحوم قزوینی نداشته‌ایم و اگر به مبالغه و خطا منسوب نشوم می‌توانم بگویم که نظیر ایشان در تمام تاریخ دراز ما، با کثرت عظیم عدّه اهل علم و فضل بسیار کم و بلکه نادر است و می‌توان وی را بیرونی ثانی خواند.»

«... بزرگترین فضیلت علمی قزوینی تنها کثرت معلومات و احاطهٔ عظیم او بر علوم و فنون تاریخ و ادبیات عرب و عجم و لغت و نحو و صرف و رجال و ملل و نحل اسلامی و استقراء و استقصاء او از کتب مسلمین و دواوین شعرای عرب و فارسی نبود، بلکه به نظر اینجانب بالاتر از همهٔ مراتب تبخّر او یک فضیلت فوق‌العادهٔ او بود که در تاریخ ما و بلکه تاریخ اسلامی می‌توان گفت به آن درجه نظیری نداشت و بلکه خیلی نادر بود و فقط بیرونی مطلقاً و تاحدی ابن خلدون و مسعودی و عبدالقادر بغدادی و دو سه نفر دیگر از متقدمین از قسمت‌هایی از آن فضیلت بهره‌مند بوده‌اند و آن مزیت عبارت بود از دقت به درجهٔ اعلا و تحقیق دقیق و تعمق ذره‌بینی و اجتناب کامل از مسامحه و نیز انصاف و حزم ادبی...»<sup>۱</sup>

امید است روح زنده‌یادان ایرج افشار و علی محمد هنرکه به فاصلهٔ چند ماه از یکدیگر چشم از جهان بستند، با چاپ و انتشار این کتابها -- که همواره چشم‌انتظار دیدن آنها بودند -- خشنود شود.

- ۲ -

فند مکرر پارسی  
هیجده گفتار ادبی و تاریخی  
از نذیر احمد  
ترجمهٔ دکتر سید حسن عباس  
چاپ اول ۱۳۹۰  
تعداد صفحات ۱۸+۴۸۶  
ناشر: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی

شادروان نذیر احمد دانشمند هندی و استاد پیشین دانشگاه علیگره هندوستان و برندهٔ اولین جایزهٔ ادبی و تاریخی دکتر محمود افشار در نوزدهم اکتبر

---

۱. مسائل پاریسیه (یادداشت‌های علامه محمد قزوینی، ص ۲۰۱).

۲۰۰۸م. چشم از جهان پوشید، بدون تردید یکی از برجسته‌ترین دانشمندان ایران‌شناس هندی است که در گسترش زبان فارسی در قلمرو تاریخی آن و تحکیم مبانی فرهنگی و علایق معنوی دو کشور ایران و هند خدمات ارزنده‌ای انجام داده و جامعه فرهنگی برای او احترام خاصی قائل است.

پیش از این هم، کتاب مکاتیب سنایی (۱۳۷۹ ش) به کوشش او، و قند پارسی در دو جلد گردآوری توسط دکتر سید حسن عباس در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۸۳ ش، در سلسله انتشارات موقوفات افشار چاپ و انتشار یافته است.

کتاب قند مکرر پارسی در سه بخش تنظیم شده که عبارتند از:

(۱) بخش اول: شعرا و ادبا

(۲) بخش دوم: کتابها و نسخه‌ها

(۳) بخش سوم: رساله‌های منشور و مشهور ملک قمی و فهارسی که در جهت دستیابی خواننده به مطالب مورد نظر از طرف ناشر بدان افزوده شده است. برای آشنایی با متن کتاب، چند سطری از صفحه ۶۷ آن نقل می‌شود:

«... مقبولیت سنایی این است که کلامش مشحون از نکات عارفانه است. علاوه بر این جوانمردی و اخلاصی که در وجود او بود، به شخصیت او اعتلاء و بزرگی بخشیده بود. او مرعوب پادشاه وقت نبود و قلم خود را در مدح سلاطین به کار نمی‌برد. از برخی نوشته‌های وی روشن است که او دعوت ابوالقاسم درگزینی وزیر سلطان سنجر را به سختی رد کرد. ظاهراً عدم وابستگی سنایی به او، قساوت قلب او بود و مثال شدت شقی القلمی وی کشته شدن عین‌القضاة همدانی است...»

او در مذمت اهل دنیا اشعاری سروده و در کلیله دمنه (ص ۳۱۱) آمده است:

این جهان بر مثال مرداری است	کرکسان گرد او هزار هزار
این مر آن را همی‌زند مَخلَب	آن مر این را همی‌زند منقار
آخرا لامر برپرند همه	وز همه باز ماند این مردارا!

در اینجا از استاد کمال اجتماعی جندقی ادیب و ویراستار دیرینه کار نیز باید

یاد کرد که در ویراستاری دقیق این کتاب به درخواست زنده‌یاد ایرج افشار کوشش فراوانی مبذول داشته است.

- ۳ -

مقالات سعید نفیسی (جلد دوم)

بزرگان ادب - کتابشناسی

به کوشش کریم اصفهانیان با همکاری محمدرسول دریاگشت

۸۱ مقاله در ۱۰۶۰+۲۸ صفحه

شماره انتشار ۱۵۲

چاپ اول ۱۳۹۰

ناشر: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی

سعید نفیسی (۱۲۷۴ - ۱۳۴۵ ش) یکی از نخبگان اصحاب فضل و ادب بود که به قول زنده‌یاد ایرج افشار با مرگش یکی از ستون‌های استوار جامعه ادبی ایران شکست. ایران را دوست می‌داشت، به فرهنگ و تاریخ و زبان کشورش خدمات بسیار کرد، آن‌چنان که یادش همیشه در دل‌های دوستان و شاگردانش بیجا و در صحایف کتب زبان فارسی و تحقیقات ایرانی جاودان خواهد آمد.<sup>۱</sup>

آثار سعید نفیسی اعجاب و تحسین خواننده را برمی‌انگیزد. کثرت این آثار در زمینه‌های مختلف ادبی، تاریخی، کتابشناسی و غیره نشان می‌دهد که او جوهر حیات را از آغاز جوانی تا واپسین دم زندگانی مصروف تحقیق و تجسس و تألیف و نگارش کرده است.<sup>۲</sup>

از آنجایی که مقالات سعید نفیسی از سال‌های دور، در مجلات و نشریات مختلف پراکنده بود، زنده‌یاد استاد ایرج افشار، با وقوف به اهمیت این مقالات در

---

۱. مقدمه کتاب، ص هفده.

۲. همان.

سال ۱۳۸۱ چاپ آن را به هیأت گزینش کتاب موقوفات افشار پیشنهاد کردم که مورد موافقت قرار گرفت.

جلد اول آن به کوشش شادروان محمدرسول دریاگشت در سال ۱۳۸۶ چاپ و منتشر گردید. پس از درگذشت او، در تداوم این تصمیم، که به وسیله آن مرحوم گردآوری شده بود از طرف استاد ایرج افشار به آقایان کریم اصفهانیان و مسعود عرفانیان واگذار شد.

اکنون موجب خوشوقتی است که جلد دوم این مقالات که استاد ایرج افشار شخصاً در تنظیم و تبویب و حروف‌نگاری و تصحیح آن نظارت مستقیم داشتند در سلسله انتشارات این بنیاد موقوفه چاپ و در اختیار علاقه‌مندان گذاشته می‌شود. امید است جلد سوم نیز به همّت آقای مسعود عرفانیان به‌زودی چاپ و منتشر شود تا یکی دیگر از آرزوهای آن روانشاد برآورده گردد.

- ۴ -

مختصر مفید

جغرافیای ایران زمین در عصر صفوی

به کوشش ایرج افشار با همکاری محمدرضا ابویی مهریزی

تعداد صفحات ۳۸+۴۶۶ صفحه

شماره انتشار ۱۵۴

چاپ اول ۱۳۹۰

ناشر: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی

مختصر مفید اثری از تصانیف مولانا محمد مستوفی بافقوی (زنده در ۱۰۹۱ هـ. ق.) از دانشمندان و دیوانیان نیمه دوم سده یازدهم هجری در اواخر عهد صفوی است. این کتاب در موضوع جغرافیای ممالک ایران به رشته تحریر درآمده است. محمد مفید مستوفی آن را در تمایز با دیگر اثرش جامع مفیدی در تاریخ و جغرافیای یزد، مختصر مفید نامیده است.

(۷)

وی این کتاب را با الهام از نزهة القلوب حمدالله مستوفی که از مراجع اصلی وی بوده، بر مبنای اندیشه سیاسی و جغرافیایی ایرانشهری نگاشته است. این اثر علاوه بر تکرار بسیاری از مطالب مراجع اصلی خود، واجد برخی اخبار و جزئیات بدیع است که به خصوص در برخی از ابواب آن، همچون فارس و سواحل و جزایر خلیج فارس شایان توجه است. همچنین مختصر مفید اثر ارزنده‌ای در نمایاندن شیوه تلفیق سنن جغرافیانگاری و تاریخ‌نویسی پیشین با مایه‌های فرهنگی خاص عهد صفوی چون گرایشها و باورهای شیعی و اخباری، همراه با توجه ویژه به مبانی دینی و ملی مشروعیت و مقبولیت سلطنت ایران‌مدار صفویان در آن روزگار است.

نمونه نثر مختصر مفید

#### فبروزکوه

محلّی است در کمال آبادی و در حوالی آنجا کوهی به قدرت کامله ایزدی واقع شده که سر تیغ سبزه‌فامش به سپهر زرنگار رسیده و مانند شیخی باوقار پای ثبات و قرار به دامان تمکن کشیده، و از چشمه‌های گریان سیل سرشک روانش به دامان رسیده.

والیان مازندران و پادشاهان کیان بر بالای آن کوه قلعه عالی‌اساس سپهرمماس ساخته‌اند که در ازمنه سابقه و قرون ماضیه [۲۱۶ ب] کمتر کسی از سلاطین جهان را تسخیر آن به قهر و غلبه میسر گشته. (ص ۲۹۹)

- ۵ -

نزهة العقول فی لطائف الفصول

تألیف ابوطاهر محمد بن محمد یحیی عوفی

به کوشش ایرج افشار و با یاری جواد بشری

تعداد صفحات ۳۰۰+۱۶ صفحه

شماره انتشار ۱۵۵

چاپ اول ۱۳۹۰

ناشر: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی

(۸)



کتابی است به فارسی در اخلاق مشتمل بر چهل فصل. این کتاب توسط مذکری<sup>۱</sup> (واعظی) نامشهور موسوم به ابوظاهر محمدبن محمد یحیی عوفی که ارتباط با عوفی صاحب جوامع الحکایات و لباب الالباب ندارد، در قرن ششم یا هفتم در ماوراءالنهر نگارش یافته است.

هر فصل با یک آیه و حدیث آغاز می‌شود و مباحث آن به زبانی دلنشین و واعظانه تبیین می‌گردد. و آنگاه حکایت یا حکایاتی به دنباله می‌آید. مؤلف بر طبق شیوهٔ منبریان، از منابع اثرش یادی نمی‌کند. او یک جا خود را از اخلاف عبدالرحمن عوف معرفی می‌کند، و این تنها اطلاعی است که از او در دست داریم. نام دو کتاب دیگر او - که البته بر جای نمانده و در دیباچه ذکر شده است غنیه الاوصاف و منیه الوصاف و زبدة المعالی لابی المعالی است.

متن این اثر که از روی یگانه نسخهٔ خطی آن محفوظ در کتابخانهٔ آیه العظمی مرعشی (ره) (پیش از آن در کتابخانهٔ حسین رهنما نگهداری می‌شده است) تصحیح شده و حاصل کار آخرین سالهای تلاش پویای زنده‌یاد ایرج افشار است که به جامعهٔ ایران‌شناسی تقدیم شده است.

- ۶ -

برابرنهاد شاهنامهٔ فردوسی و غُرالسیر ثعالبی  
تألیف عباس پریش‌روی  
تعداد صفحات ۱۶+۷۲۸ صفحه (قطع رحلی)  
شمارهٔ انتشار ۱۳۸  
چاپ اول ۱۳۹۰

---

۱. «چون این داعی را فیض حق - سبحانه و تعالی - در صغر سن و عنفوان شباب در فن تذکیر شهرتی داده بود، شکر این نعمت عظیم و موهبت جسیم را از فرایض خود می‌دانست. چون خواست که اهل آن را یادگاری گذارد و جماعتی [را] که در این شیوه خوضی دارند خدمتی کند، چهل فصل در جمل معنی بپرداخت...». (ص پانزده)

استاد جلال خالقی مطلق در پیش سخن ممتّع و نسبتاً مفصلی که بر این کتاب بنا به تقاضای زنده‌یاد ایرج افشار مرقوم داشته‌اند چنین می‌نویسند:

«کتابی که خوانندگان در دست دارند، در شمار اندک پژوهشهای علمی است که در این سالهای اخیر به زبان فارسی درباره‌ی شاهنامه‌ی فردوسی تألیف شده است. در بخش نخستین کتاب پژوهنده با هزینه کردن دقت و وقت بسیار سراسر شاهنامه را با غرالسیر ثعالی و در مواردی با تاریخ الترتیل طبری و ترجمه‌ی بنداری مقایسه کرده و همخوانی‌ها و ناهمخوانی‌های آنها را نشان داده است. در بخش دوم برگرفته‌های ثعالی را از آثار مؤلفانی چون طبری، مقدّسی، ابن خردادبه و حمزه اصفهانی نمایانده است و سپس در پایان این بخش با ذکر مثالهایی نشان داده است که در پیرایش متن شاهنامه می‌توان از غرالسیر ثعالی نیز بهره گرفت.»

با وجود اینکه استاد خالقی مطلق این اثر را به عنوان پژوهش بسیار ارزنده با دقت علمی و صرف وقت بسیار مورد ستایش قرار داده و شاهنامه‌دوستان و شاهنامه‌پژوهان را وامدار و سپاسگزار این پژوهشگر سخت‌کوش می‌داند، مع‌هذا دلایل متفاوتی را با ادله‌ی مؤلف ابراز می‌دارد که باید خواند و بهره برد. به نظر مؤلف شاهنامه‌پژوهان، بر پایه‌ی گفتاری کوتاه در مقدمه‌ی دست‌نویسهای شاهنامه و سخن فردوسی درباره‌ی نامه‌ی باستان، باور دارند که شاهنامه‌ی ابومنصوری کتاب کارپایه‌ی شاهنامه‌ی فردوسی است و این کتاب پس از سرایش شاهنامه و در سایه‌ی آن، از چشم افتاده و هرگز دست‌نویسی از آن یافته نشده است. نزدیک.... (نتوانستم بخوانم).... پژوهشی نارسا و سست، کتاب غرر اخبارالملوک و سیرهم ثعالی را برگردانی بر شاهنامه‌ی ابومنصوری به زبان عربی دانسته و شناسانده است و این دیدگاه از سوی نولدکه نویسنده‌ی کتاب حماسه‌ی ملی ایران استوار داشته شد و شاهنامه‌پژوهان ایرانی به پیروی از این پیشرو شاهنامه‌پژوهی، بسی آنکه دو کتاب را به درستی و رسایی برابر نهاده باشند،

پژوهشهای خود را در همان راستا و دیدگاه سامان بخشیده‌اند. پژوهشگر کتاب برابرنهاد شاهنامه فردوسی و غررالسیر ثعالبی برای نشان دادن دیدگاه خود با شناسایی کتابهای بهره‌گرفته از سوی ثعالبی، شاهنامه فردوسی را با کتاب غررالسیر ثعالبی برابر نهاده و در بررسی خود و کندوکاو داستانها، به این برآمد رسیده است که ثعالبی در کار تاریخ‌نویسی خویش، نه از شاهنامه ابومنصوری که از شاهنامه فردوسی سود برده است. دست‌آورد این پژوهش، یافته شدن گزیده‌هایی از شاهنامه فردوسی است که به زبان عربی برگردانیده شده و همچون شاهنامه بنداری برای بهسازی و بازسازی دست‌نویسهای شاهنامه سودمند است و چون به زمان فردوسی (تاریخ پایان کتاب ۴۱۲ هـ) نزدیک است می‌توان به نشانه‌ای تازه از شاهنامه و هم‌زمان با فردوسی (مرگ ۴۱۱ یا ۴۱۶ هـ) دست یافت و اینکه برخی بر پایه دیدگاه زوتنبرگ و نولدکه پنداشته‌اند فردوسی زنهارداران و تنها از یک کتاب برای سرودن شاهنامه بهره‌گرفته و یا شاهنامه تا یکصد و اندی سال شناخته نبوده، نادرست است.

مؤلف در این کتاب نمونه‌های فراوانی از هم‌خوانی گفتار فردوسی و ثعالبی را که دیدگاه زوتنبرگ را به چالش و پرسش می‌کشاند، نشان می‌دهد و می‌نویسد:

آیا زنهارداری دو تن در برگردان یک کتاب و آن هم یکی به زبان بیگانه و دیگری به سرود، تا آن اندازه می‌تواند باشد که کسی بخواهد از آن در بهسازی یک شاهکار هنری بهره بگیرد؟ آیا شاهنامه ابومنصوری که چهار تن به سرپرستی معمری وزیر ابومنصور فراهم آورده‌اند، خود شاهکاری در نویسندگی و از گونه داستانسرایی و نمایشنامه‌نویسی و پرداختهای هنری بوده است؟ پس فردوسی تنها سراینده چیره‌دستی بوده که با واژه‌پردازی و پساوندسازی می‌توانسته هر نوشته و سخنی را به سرود درآورد!...

پنج کتابشناسی ایران  
از: زنکر - شواب - (مجله کاوه) - هنینگ و فهرست کتابهای تاریخ و سیاست  
به دستور لرد مونستر  
گردآوری ایرج افشار  
تعداد صفحات ۵۷۶ صفحه  
شماره انتشار ۱۴۳  
چاپ اول ۱۳۹۰  
ناشر: انتشارات موقوفات دکتر محمود افشار یزدی

این کتاب پنجمین کتابی است که برای نخستین بار پس از درگذشت زنده‌یاد ایرج افشار (۱۸ اسفند ۱۳۸۹) سرپرست انتشارات موقوفات دکتر محمود افشار در سلسله انتشارات این بنیاد به چاپ می‌رسد. این مجموعه دربرگیرنده نسخه برگردان پنج کتابشناسی نایاب مربوط به ایران است که چون دستیابی به اصل آنها بسیار دشوار بود، بنا به ضرورت چاپ آن برای پژوهشگران ادب فارسی و تاریخ ایران، زنده‌یاد ایرج افشار به تهیه و تنظیم آن اقدام کرد ولی متأسفانه هنگامی چاپ و منتشر شد که او چشم از جهان بسته بود. ایرج افشار در توضیح این مجموعه در مقدمه کتاب چنین مرقوم داشته‌اند.

«این مجموعه مشتمل است بر این کتابشناسی‌ها:

۱) استخراج بخش مربوط به تاریخ ایران و زبان فارسی از کتابشناسی زنکر Zeneker موسوم به Bibliotheca Orientalis (کتابشناسی شرقی) که در سال ۱۸۴۶ در ۲۶۴ صفحه و به عنوان جلد اول آن مجموعه چاپ شده است. چون مؤلف کتابهای عربی و فارسی و ترکی در هر موضوع را پشت سر هم آورده است (نه جداگانه براساس زبان‌ها)، ناگزیر بخش خاص ایران از سراسر آن فهرست جدا شد. ولی نمره‌های کنار نام کتابها و نیز شماره صفحات به همان ترتیب قبلی محفوظ مانده است.

۲) کتابشناسی ایران به نام Bibliographie de la Perse گردآوری شواب

Mse. Schwab عضو کتابخانه ملی فرانسه در قرن نوزدهم که در سال ۱۸۷۵ انتشار یافته بوده است. البته دکتر محسن صبا (کتابشناسی چاپ ۱۹۵۱) و سپس دکتر عبدالحمید ابوالحمد و دکتر ناصر پاکدامن در تنظیم کتابشناسی دو جلدی خود (کتابشناسی چاپ ۱۳۵۲) بدین کتاب نگریسته‌اند.

۳) کتابشناسی ایران با عنوان آلمانی *Persische Bibliographie* که از سوی مجله کاوه در برلین به سال ۱۹۲۰ انتشار یافت و سید حسن تقی‌زاده (ابتداءً) و لیتن W. Litten (مشترکاً) در تهیه آن همکاری داشته‌اند. تقی‌زاده یادداشتی ماجرای تدوین و نشر این کتابشناسی را نوشته و مشخص است یادداشتهای فراهم شده توسط اداره کاوه (یعنی خود را) در اختیار لیتن گذارده که ویراستاری و چاپ کند. آن یادداشت در آغاز همان رساله به چاپ رسانیده می‌شود.

۴) کتابشناسی «مطالعات مهم درباره موضوعات ایران باستان» *Subjects Bibliography of Important on Old Iranian* گردآوری والترو برنینگ W. B. Henning که توسط کتابخانه دانش در سال ۱۹۵۰ در تهران انتشار یافت (و اینجا اقتضا دارد که نام شادروان نورالله ایران‌پرست مدیر آن کتابفروشی و مدیر مجله دانش که به این نوع مراجع علاقمند بود به احترام آورده شود) و مقدمه‌ای به انگلیسی از سوی هنینگ و مقدمه‌ای به فارسی به قلم دکتر محمد معین در آن هست. بنا بر نوشته دکتر محمد معین هنینگ این فهرست را به خواستاری سید حسن تقی‌زاده تهیه کرده بود.

چون هنینگ در بخش‌بندی موضوعی کتابها، نامهای مؤلفان را به تنظیم الفبایی نیاورده است پس مناسب دید فهرست الفبایی نام نویسندگان را گردآوری کند و بر آن بیفزاید.

۵) فهرستی است که به خواهش لرد مونستر *Munster* توسط یکی از کتابهای مربوط به جنگ و ابزارهای آن با تفصیلی درباره تیر و کمان و همچنین عده‌ای از کتب سیره و تاریخ را که طبعاً در آنها اطلاعات مربوط به جنگها هست (و از جمله چند کتاب فارسی مانند *فارسنامه ابن بلخی* و...) گردآوری می‌شود و به خط همان مستشرق به طور سنگی به چاپ می‌رسد، دریغ که در آغاز و انجام این کتاب ذکری از محل و تاریخ چاپ و نام مؤلف نیست.

اما کمپف‌مایر *G. Kampffmayer* در شماره چهار سال ۱۹۰۷ از مجله *Orientalische Literature-Zeitung* می‌گوید که ه. ف. آمدروز *H. F.*

Amedroze (لندن) او را مطلع کرده بود که در فهرست کتابهای عربی چاپموزه بریتانیا (جلد دو، ص ۶۴۱) معرفی این کتاب که به دستور لرد مونستر در ۱۸۴۰ چاپ سنگی شده بود آمده است.

این فهرست بر دو بخش تقسیم شده و در ۱۵۶ صفحه است:

۱- کتابهای جنگ و سیاست

۲- کتابهای تاریخ و جغرافیا

کمپف‌مایر در پایان یادداشت یادآور می‌شود که چاپ جدیدی از این نسخه سنگی با تعلیقات و حواشی بسیار به درد اهل فن خواهد خورد و امید است صاحب همّتی این کار را متحمل شود.

این نسخه کمیاب را دوست فقیدم صادق عدنان ارزی دانشمند ترک که شوق مخصوص به دست آوردن این‌گونه کتب داشت در سفر ۱۳۵۳ خود به تهران برای من ارمغان آورد.

این نسخه را مونستر به دانشمندی ظاهراً به نام Wehmzich اهدا کرده بود و بعدها به مستشرق مشهور Dr. hanns von Mgik از اهالی چک مقیم وین تعلق پیدا می‌کند. اکنون در گنجینه پژوهشی من در مرکز دایرةالمعارف اسلامی نگاه‌داری می‌شود.

طبعاً همه دوستان ایرانی که بدین کتابشناسی بسیار کمیاب دستیابی پیدا می‌کنند باید سپاسگزار لطفی باشند که مرحوم ارزی به من فرمود. دیگر باید از مهربانی جان‌گرنی J. Gurney (آکسفورد) یاد کنم که سرگذشت لرد مونستر را از مراجع سرگذشتنامه‌ای انگلیسی برایم فرستاد. همچنین یاد کرد از دوست فقید دکتر جواد شیخ‌الاسلامی را نباید فراموش کنم که ترجمه ذیل مقاله کمپف‌مایر را از آلمان برایم فرستاده بود و کاووس جهانداری برایم چکیده‌گویی فرمود.

چون این فهرست بی‌هیچ نظم الفبایی یا تاریخی است ناگزیر فهرستی از نامهای کتابها به همان ضبطی که در متن دیده می‌شود استخراج کردم تا مراجعه بدان آسانتر بشود و برای آنکه حتی المقدور بی‌عیب باشد از دوست فاضل علی بهرامیان خواهش کردم نظری بدان بیندازد و آن را به حدّ مقدور شسته و رفته گرداند. براساس آن فهرست برای نام مؤلفان هم فهرستی بیرون آورده شد. امید است کسی کتاب را به صورت چاپ حروفی درآورد و معایب و مشکلات و تناقضها را از آن بزدايد. تهران - اول مهر ۱۳۸۸»